

نقد جایگاه بناهای میان‌افزا در محوطه‌های تاریخی از منظر اسناد بین‌المللی^۱

رضا ابویی^۲

استادیار دانشگاه هنر اصفهان

نسیم جعفری^۳

کلیدواژگان: اسناد بین‌المللی، بافت تاریخی، حفاظت شهری، بناهای میان‌افزا.

چکیده

موضوع مرمت در طی تاریخ تطّور خود، به‌موازات توسعه دانش و تجربه بشری و طی فرازونشیب‌ها، به‌تدریج به حوزه‌های وسیع‌تری گسترش یافت. نظریه‌پردازی‌ها و شکل‌گیری تجارب گوناگون مرمت در جای‌جای جهان از قرن هیجده به بعد و به‌ویژه در نیمه اول قرن گذشته میلادی و در عرصه‌های معماری و شهرسازی، غنا و پشتوانه عظیمی را برای این دانش رقم زد. ایجاد نهادهای جهانی، تسهیل روابط بین‌الملل و شکل‌گیری توافقنامه‌های متعدد جهانی در این سده، زمینه‌ساز گسترش هرچه بیشتر دانش و تجربه مرمت، همگرایی، تحولات وسیع و چاره‌جویی مسائل مشترک در بین جوامع گردید. موضوع چگونگی شکل‌گیری ساختارهای جدید در محوطه‌های تاریخی از جمله مسائل مطرح در این اسناد جهانی بوده است. از حدود سه دهه پیش، موارد بسیاری از فراوانی واحدهای مخروبه در بافت‌های تاریخی و بلا‌تکلیفی مالکین در «چگونه ساختن» در ادبیات مرمت شهری کشور گزارش شده است. همین مسئله در پی انفعال جامعه دانشگاهی، دستگاه‌های مسئول،

و مدیریت شهرهای تاریخی در سال‌های اخیر به گسترش بسیار در مقیاس «پهنه‌های فرسوده» تاریخی منتهی گردیده است. بیم آن می‌رود که تأخیر بیشتر به نفع استمرار هویت تاریخی و جانشینی «شهرسازی تعویضی» در این عرصه‌ها بیانجامد. کندوکاو اسناد جهانی شکل‌گرفته طی قریب هفت دهه در قرن گذشته فرصت و پشتوانه مغتنمی است که این نظرات استخراج و به کار بسته شوند. «چگونگی و معیارهای طراحی و شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در محوطه‌های تاریخی از منظر اسناد بین‌المللی» سؤال تحقیق حاضر است. روش علمی تحقیق به صورت تحلیل محتوا است. تعاریف پایه در زمینه نوسازی و بافت‌های تاریخی در این مقاله، به علت جلوگیری از اطاله کلام و با فرض دانش پایه‌ای مخاطب متخصص، حذف گردیده است. طی این روش و به منظور تحقق اهداف پژوهش، داده‌های تحقیق مشتمل بر مواد و مفاد قطعنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، منشورها، و سایر اسناد راهبردی مربوط، که در خصوص نوسازی در بافت‌های تاریخی نظرها و پیشنهادهایی در پی داشته‌اند، تحلیل گردیده‌اند. مطالعه این پژوهش کتابخانه‌ای و به روش یافته‌اندوزی و با استناد به همین اسناد و توافقنامه‌های جهانی بوده است. بر اساس مطالعات اولیه، معاهدات مرتبط گزینش و تحلیل شده‌اند. در نهایت با تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، طبقه‌بندی اسناد مذکور از منظر نفی، پذیرش، و یا تشویق ساختارهای جدید در محوطه‌های تاریخی تدوین و با تحلیل هر یک

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دوره دکتری نویسنده مسئول است با عنوان *انشای معیارهای نوسازی ویژه در بافت تاریخی از خلال تجارب مرمت شهری بر مبنای اصول مرمت، مطالعه موردی بافت تاریخی اصفهان، محله دردشت که به راهنمایی استادان محترم دکتر رضا ابویی و دکتر محمدرضا اولیاء در دانشکده مرمت دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.*

2. r.abouei@aui.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری مرمت دانشگاه

هنر اصفهان، نویسنده مسئول؛

n.jafari11@yahoo.com

پرسش‌های تحقیق

۱. طراحی و شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در محوطه‌های تاریخی از منظر اسناد بین‌المللی چگونه است؟
۲. از منظر فوق معیارهای این طراحی و شکل‌گیری چیست؟

۴. با امان نظر به آثار معماری و رنسانس ایتالیا شروع و ابداع «بنای تاریخی» پس از انقلاب کبیر در فرانسه (یوکیلتو، «استانداردها، اصول، و منشورهای بین‌المللی حفاظت»، ص ۱۲۴).

۵. یوکیلتو به این مطلب تأکید دارد که در هر حال مفاهیم جدید حمایت و حفاظت از میراث فرهنگی، به وجدان تاریخی جدیدی، که از قرن هیجده در اروپا توسعه یافته، مبتنی است (یوکیلتو، همان، ص ۱۲۱).

۶ در سال ۱۸۸۳ دولت ایتالیا اولین منشور مرمت را که توسط کامیلو بویتو «Camillo Boitto» تدوین شده بود به گردش در آورد (یوکیلتو، همان، ص ۱۲۲).

۷. محسن حبیبی و ملیحه مقصودی، مرمت شهری، ص ۱۳۱.

نتیجه‌گیری و نتایج لازم اتخاذ گردیده است. همچنین عرضه وجوه مشترک، توصیه‌ها و راهکارهای اساسی، و ذکر کاستی‌های آنان، همچنین معرفی اسناد واجد راهکارهای اجرایی همساز و همسان با نیازهای جامعه ایران از نتایج دیگر این پژوهش است.

مقدمه

موضوع مرمت در قالب ادبیات تخصصی این واژه و در طول تاریخ، اگرچه از زمینه اولیه خود در خصوص بناهای تاریخی برخاسته^۱، ولی به تدریج و با گسترش دانش و تعمیق تجربه بشری به عرصه‌های جدید به بحث مجموعه و محوطه‌های ساختمانی، محیط‌ها و بافت شهری، و چشم‌اندازها تعمیم یافت. موضوع مرمت بنا و از جمله اشیا تا قبل از انقلاب صنعتی و رشد نهضت مدرن و گسترش شهرها بخشی از مهارت‌های عرف جوامع قلمداد شده بود، ولی از این زمان به بعد است که در قالب تجارب متفاوت، به‌ویژه در اروپا از منظر ریشه‌های فکری گوناگون دنبال می‌شود و به تبلور نظریه‌هایی می‌انجامد که در سده نوزدهم یکی پس از دیگری بروز می‌کند. این نظریات هم به لحاظ آزمون و خطا در حوزه تجربه دچار دگرپرسی می‌شوند و هم به دلیل عمق دانش و اندیشه بشری حیطة شمول آنها از حوزه محدود بنا به محیط اطراف، مجموعه‌ها، بافت شهر، چشم‌انداز و پیوندهای بافت و محیط طبیعی و فراتر گسترش می‌یابد. جایگاه نازل و فرسوده و غیربهداشتی بناها و بافت‌های قدیمی شهرهای اروپای قرن هیجدهم (به‌ویژه شهرهای صنعتی) و مکان اقصای تهی‌دست و کارگران، در طول نشیب‌وفرازهای حوزه اندیشه نظریه‌پردازان و در طی زمان، از عرصه‌های وسیع مداخله دولت‌ها در مرمت، باززنده‌سازی، و احیا در قرن گذشته، به مکان تبلور تاریخ و فرهنگ جامعه، انباشت تاریخی، خاطره جمعی، عامل هویت ملی و بستری برای تعلیم و ترسیم چشم‌انداز آینده جوامع در زمینه‌های هنر و معماری و شهرسازی ارتقا یافت.^۲ آنچه که در قرن نوزدهم و از نگاه نظریه‌پردازان مرمت مطرح می‌شد و در قالب تجارب حرفه‌ای در حوزه‌های محدود شکل می‌گرفت و به تدریج به اصول پذیرفته‌شده‌ای در بین گروه‌ها و جوامع بدل می‌گشت^۳، در قرن بیستم با وسعت بیشتری، هم به لحاظ حوزه اندیشه و هم به لحاظ گستره جغرافیایی تجارب، دنبال گردید.^۴ با گسترش ارتباطات بین‌المللی و تولد نهادهای جهانی، به‌ویژه پس از خسارات عمیق ناشی از جنگ‌های بین‌المللی، بازسازی‌های شتاب‌زده، و همچنین اعتراضات عمومی، تدوین و نشر این اصول، در بستر قطعنامه‌ها



مهمی است که خود دستاورد بیش از یک قرن تلاش جهانی در پس آزمون و خطای نظریات نظریه‌پردازان است. بی‌توجهی به این دستاوردها غفلت از آن همه تلاش جهانی خبرگانی محسوب می‌شود که در این عرصه صاحب‌نظر بوده‌اند. به دلیل مداخله‌های بی‌ملاحظه و غیرکارشناسانه در حوزه بافت‌های تاریخی، روند نوسازی‌های داخل بافت به تجربه‌ای بسیار خطرناک و دور از احتیاط بدل شده که نهایتاً ممکن است به نابودی کامل بافت‌های تاریخی منجر شود. این بافت‌ها، که به‌مرور طبق تعاریف رسمی (تعاریف مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران) تا نازل‌ترین حد یعنی بافت‌های فرسوده قلمداد شده و به‌تدریج در دل شهرهای تاریخی تغییر ماهیت می‌دهند، با تحلیل‌های اسناد راهبردی مرتبط امکان بازنگری می‌یابند، اسنادی که علی‌رغم ارزش‌های ماهوی با کاستی‌هایی هم بنا به استدلال‌های منطقی روبه‌رو هستند.

۱. بیان مسئله

محوطه‌های تاریخی و هسته‌های قدیمی شهرهای مانارسایی‌های متعددی را تحمل می‌کنند. ساختارهای جدید در این عرصه‌ها، موضوع این پژوهش است. اغلب کانون‌های سکونت‌ی کشور در قرن حاضر، عمدتاً هدف گسترش‌های شهری، استقرار برخی خدمات بزرگ شهری، رشد فعالیت‌های تجاری، خدماتی و اداری، و جابه‌جایی و رشد جمعیت قرار گرفته‌اند. در گذشته در این محوطه‌ها در حالی که، عموماً ترکیب‌هایی از بناهای ساخت دوره‌های متفاوت تاریخی در جوار یکدیگر قابل‌شناسایی بودند، در عین حال هماهنگی منظر و ظاهر بافت، ویژگی مسلط آن‌ها می‌نمود. در مقابل، آنچه که در دهه‌های اخیر و بر اثر بازسازی‌های جدید در همین بافت‌ها شکل گرفته جز اغتشاش بصری ترجمان دیگری نمی‌تواند تلقی شود. منهای ضرورت‌های انکارناپذیر اعمال نظارت از سوی مدیریت شهری، باید اذعان کرد که آموزش ندادن موضوع «چگونه ساختن» به ساکنان یک

و منشورها و توصیه‌نامه‌ها، از سوی نهادهای جهانی، جامعه، و سازمان ملل و یونسکو دنبال گردید. «اتفاق ملل»^۸، که در سال ۱۹۱۹ برای حل و فصل مناقشات تأسیس شده بود، به ایجاد کمیته بین‌المللی همکاری فکری پرداخت. توجه به امر حفاظت یکی از ابتکارات فرهنگی این کمیته در سطح جهانی بود.^۹ در سال ۱۹۳۱ اجلاس بین‌المللی آتن تشکیل و اصولی را در حفاظت و مرمت آثار هنری و تاریخی تعریف کرد که بعدها «اصول منشور آتن» نامیده شد. در سال ۱۹۶۴ دومین کنفرانس بین‌المللی به تدوین منشور ونیز پرداخت. ایجاد یک سند جدید و به‌روزرسانی نتایج اجلاس ۱۹۳۱ آتن از ضرورت‌های این اجلاس بود. در همین اجلاس تأسیس نهاد غیردولتی بین‌المللی «ایکوموس» پیشنهاد شد. اولین اجلاس ایکوموس در سال ۱۹۶۵ در ورشو برگزار و بعدها منشور ونیز رهنمود اخلاقی بنیادین ایکوموس قلمداد شد. کمیته‌های ملی و بین‌المللی ایکوموس به‌تدریج و تا به امروز به ایجاد چندین منشور و توصیه‌نامه بین‌المللی کمک کرده‌اند. گردشگری فرهنگی، باغ‌های تاریخی، شهرهای تاریخی، مناطق شهری، مدیریت میراث باستان‌شناسی و آموزش، موضوع این اسناد بوده‌اند. سایر اسناد مربوط به مناطق فرهنگی یا جغرافیایی خاص است. در اسناد بین‌المللی یادشده، مباحث مختلفی بر حسب ضرورت‌های زمان در زمینه‌های میراث فرهنگی و طبیعی، حفاظت، مرمت و توسعه، و همچنین مباحث مرتبط از جمله آموزش، مشارکت، گردشگری، اصالت، فرهنگ‌های بومی و غیره مطرح و به نمایندگان جوامع و دولت‌هایشان توصیه‌هایی گردیده است. از جمله نگرانی‌های مطرح در این اسناد یکی موضوع مداخله در بافت‌های تاریخی، ساخت‌وسازهای جدید و نفوذ معماری معاصر در این عرصه‌ها است که در این مقاله سعی در بررسی آن اسناد از این منظر می‌شود. علاوه بر این بررسی، بر نقد و تحلیل کاستی‌های این اسناد در برخورد با داستان نوسازی‌های داخل بافت تاریخی نیز مذاقه شده و هر جا لازم بوده توصیه‌هایی در این زمینه آمده است. در واقع مجموعه این قطعنامه‌ها، منشورها و توصیه‌نامه‌ها گنجینه

8. League of Nations

۹. یوکیلتو، همان جا.

آن یافته‌اندوزی و با استناد به همین اسناد و توافقنامه‌های جهانی بوده است. با تحلیل داده‌های گردآوری شده، طبقه‌بندی اسناد مذکور از منظر نفی، پذیرش، و یا تشویق ساختارهای جدید در محوطه‌های تاریخی تدوین و با تحلیل هریک نتیجه‌گیری‌های لازم اتخاذ گردیده است. بنا بر این تحقیق از نظر روش نیل به هدف کیفی و توصیفی-تحلیلی است. روش یافته‌اندوزی با استناد به اسناد و توافقنامه‌های جهانی بوده است. از میان اسناد یاد شده نمونه‌هایی گزینش و تحلیل شده‌اند که بر اساس مطالعات اولیه، مرتبط با موضوع و در خصوص بافت‌ها، محوطه‌ها و مجموعه‌های تاریخی و به‌ویژه بناهای میان‌افزا، یعنی نوسازی‌های داخل بافت، تنظیم گردیده‌اند. درنهایت با تحلیل داده‌های گردآوری‌شده به طبقه‌بندی اسناد، ارزیابی، و نتیجه‌گیری‌های لازم پرداخته شده است.

۳. ضرورت و اهمیت

پیش از این نیز مکرر گزارش شده و عملاً دیده می‌شود که مدیران شهری در خصوص بافت‌های قدیمی یا کماکان دچار غفلت تاریخی هستند یا هنوز در ابهام و تردید در چگونگی اقدام در احیای این عرصه‌ها به سر می‌برند و یا به دلیل فقدان همیشگی بودجه، محدوده تاریخی را به حال خود رها کرده‌اند. درواقع در همه حال این همان ساکنان تهی‌دست هستند که اندک بودجه‌های هزینه در بافت را از دست‌رنج و پس‌انداز خود پرداخت می‌کنند. در خصوص تلاش‌های صورت‌گرفته در نوسازی و عمران بافت، مشکل اینجا است که علی‌رغم تغییر تکنولوژی، تغییر مصالح، تغییر تدریجی مهارت‌ها و استادکاران، و البته تغییر نیازها، «چگونه ساختن» و چگونگی تعامل نو با کهنه، چه از منظر کالبد و فرم و چه محتوا، مسئله‌ای است که از جانب هیچ‌کدام از نیروهای دخیل جدی گرفته نشده است. مدیریت شهری اگر در احیای بافت‌ها هزینه متناسب را متحمل نشده، در هدایت هزینه‌ها و تلاش‌های مردمی نیز ایفای نقش

مشکل و بیماری معاصر این بافت‌ها است.^{۱۰} ساخت‌وسازهای جدید چه به لحاظ بازسازی سلول‌های مخروبه، چه در پاسخ به نیاز اسکان افزایش جمعیت و یا تغییر الگوی سکونت و یا ایجاد عناصر خدماتی جدید در محلات تاریخی، چارچوب‌ها و معیارهای ویژه‌ای را به لحاظ هماهنگی با زمینه طلب می‌کنند که چند و چون آن‌ها سؤال پیش روی ساکنین، طراحان، و برنامه‌ریزان و مدیران شهری است.^{۱۱} این نیاز با طرح موضوع نوسازی بافت‌های فرسوده شهری در کشور ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد. عملاً دیده می‌شود که علی‌رغم استفاده از مصالح، سازه‌های جدید، و صرف هزینه، بازسازی‌های جدید، به دلیل هماهنگی‌های حداقلی، نه‌تنها برآمده و در تداوم تاریخی زمینه خود نیستند، بلکه با گسترش این روند، یکپارچگی و هویت کالبدی بافت تاریخی مخدوش می‌گردد. اگرچه محدودیت دسترسی، کمبود خدمات، کاهش نقش محدوده، جابه‌جایی جمعیت بومی، و تغییر فرهنگی محیط در نگاه اول کمتر نمود می‌یابند، ولی نزول کیفیت ساخت‌های جدید به‌شدت چشم‌انداز و منزلت بافت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «چگونگی و معیارهای طراحی و شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در محوطه‌های تاریخی از منظر اسناد بین‌المللی» سؤال این تحقیق است. آنچه در این خصوص انجام گرفته، بیشتر در مرحله گفته و نوشته و حداکثر در مقیاس برنامه‌ریزی و ضوابط شهرسازی بوده و کمتر به مرحله طراحی اجرایی و مقیاس معماری نزدیک شده است.^{۱۲}

۲. روش تحقیق

برای این مقصود، روش علمی تحقیق مورد استفاده در این مقاله تحلیل محتوایی بوده و طی آن داده‌های تحقیق مشتمل بر مواد و مفاد قطعنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، منشورها، و سایر اسناد راهبردی مربوط که در خصوص نوسازی در بافت‌های تاریخی دارای نظر و پیشنهاد هستند، تحلیل گردیده‌اند تا اهداف پژوهش محقق شوند. مطالعه این پژوهش کتابخانه‌ای و روش

۱۰. محمود توسلی، طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد، ص ۱۰.
 ۱۱. توسلی، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، ص ۷۹.
 ۱۲. توسلی، طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد، ص ۴۹.



موضوع مداخلات و ساخت‌وسازهای جدید دیدگاه‌های یکسانی ندارند و بنا به خاستگاه و اهداف خاص خود، موضع‌گیری‌های متفاوتی را نسبت به موضوع نشان می‌دهند. به منظور مقایسه، سهولت مطالعه، و ارزیابی، اسناد یادشده پس از بررسی‌های محتوایی، در قالب سه گروه به ترتیب زیر دسته‌بندی شده‌اند:

گروه اول: این گروه از اسناد اصولاً یا مخالف ساختارهای جدید در محوطه‌های تاریخی هستند و یا آنکه در آن‌ها با تأکید بر حفاظت، مرمت، و بازسازی تاریخی، نسبت به ساخت‌های جدید به صورت حاشیه‌ای برخورد شده است.

گروه دوم: در این گروه موضوع ساخت‌وسازهای جدید یک واقعیت و تغییر گریزناپذیر در بافت پذیرفته شده و ضمن اشاره به جنبه‌هایی خاص از ویژگی‌ها و خصوصیات محوطه‌های تاریخی، ساختارهای جدید مشروط گردیده‌اند.

گروه سوم: در این گروه موضوع ساخت‌وسازهای جدید در محوطه‌های تاریخی نه تنها پذیرفته شده، بلکه تشویق نیز گردیده و در مواردی حضور آن‌ها عامل ایجاد روحیه و حیات شهری و یا سهم عصر حاضر در میراث فرهنگی معرفی گردیده است. در برخی از اسناد این گروه، با گشاده‌دستی و توجه بیشتر نسبت به شرایط این حضور، معیار یا معیارهایی بیان شده است.

۴.۱. اسناد گروه اول

۴.۱.۱. منشور آتن دربارهٔ مرمت یادمان‌های تاریخی^{۱۳}

این نشست بین‌المللی را مرکز موزه‌های بین‌المللی در آتن سازمان‌دهی کرد، این منشور اولین پیشنهاد برای محافظت از میراث معماری است، خاصه آنکه، به لحاظ دیدگاه سازمان‌دهندگان، محیط برگزاری (شهر باستانی آتن)، دورهٔ برگزاری (اولین دوره) و محتوای آن، که معطوف به موضوع حفاظت از میراث گذشته است، در نوع خود از مهم‌ترین منشورهای جهانی محسوب می‌شود. در بند ۳ منشور (سازمان‌دهی زیبایی‌شناختی یادمان‌های باستانی) توصیه

متناسی نکرده است و چهرهٔ نامتناسب امروزی بافت و نوسازی ناهماهنگ آن، محصول این فرایند طی دهه‌های اخیر است. این در حالی است که بافت‌های تاریخی خود عموماً محصول یک فرایند تغییر و تحول تدریجی در طول بیش از هزار سال، مکان انباشت تاریخی، و تبلور نظام فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی جامعهٔ خود هستند. در واقع مشکل اصلی این است که تغییرات کالبدی، چه در بخش قدیمی و چه در بخش جدید شهر، در تداوم منطقی گذشتهٔ خود نیست. به بیان دیگر اصول معماری و شهرسازی گذشته فراموش شده است. توسلی در سال ۱۳۶۸ در سمینار «تداوم حیات در بافت قدیمی شهرها» به‌روشنی از حجم زیاد مخروبه‌ها در بافت، به‌ویژه در بافت یزد، گله می‌کند و به‌صراحت می‌گوید که ما هیچ‌گاه به ساکنان نگفته‌ایم که چه باید کرد (چگونه بسازند). اگر آن روز وی به غفلت نهادهای مدیریت شهری اشاره کرده و در خصوص بیان الگوها و آموزش مردم در بافت به لحاظ نوسازی سلول‌های مخروبه و فرسوده هشدار داده، امروز پس از گذشت بیش از حدود ربع قرن باید، نه در قالب سلول‌های فرسوده، بلکه در قالب پهنه‌های بافت تاریخی فرسوده به چشم‌انداز احیا فکر کرد. نگاهی تحلیلی و انتقادی به منشورها و معاهدات جهانی، که هرکدام به شکلی دربارهٔ نوسازی‌های درون بافت سخن گفته‌اند، و اشاره به کاستی‌هایشان از ضروریات این عرصه به‌شمار می‌رود، که در این مقاله به این دو پرداخته شده است.

۴. بررسی اسناد و توافقنامه‌های بین‌المللی

قطعنامه‌ها، معاهدات، و منشورهای بین‌المللی عموماً ساختار یکسانی دارند، به این ترتیب که در ابتدا از مسائل مشترک سخن می‌رود و در ادامه به پیش‌فرض ضرورت‌ها و اهمیت جنبه‌های موضوع هدف اشاره می‌شود. سپس به راهکارها و توصیه‌ها، به منزلهٔ دستاورد جمعی، اشاره و درنهایت تعهد و پایبندی امضاکنندگان اسناد یادآور می‌گردد. اسناد گفته‌شده در برخورد با

13. The Athens Charter for Restoration of Monuments, 1931

(مجموعه پژوهش‌های بنیادی دفتر فنی، دفتر هشتم، ص ۴۷؛ همان، دفتر هفتم، ص ۱۵۸).

نو با کهنه اشاره شده و ضرورت بدقواره نبودن چیدمان‌های جدید در قیاس با وضع موجود برشمرده می‌شود. هدف این منشور اصولاً «حفاظت، نگهداری، و بازسازی آثار» بیان شده و در واقع در مورد «ساخت‌های جدید» در آن سکوت شده است. به تعبیری در محتوای آن «مخالفتی با ساخت‌های جدید نمی‌شود و البته مداخله در بنا و بافت‌های تاریخی، با هدف بهبود کالبد و حفاظت فعال و البته براساس مستندات، تشویق می‌شود». در سند مذکور با توجه به دوره تاریخی آن و نضج نهضت مدرن، اگرچه ساخت‌وسازهای ناهماهنگ در مجاورت بناهای تاریخی منع می‌گردد، «ولی از پتانسیل طراحی‌های مدرن متناسب در این محیط‌ها نیز غفلت می‌شود و از این حیث نقشی محافظه‌کارانه دارد».

۴.۱.۳. توصیه‌نامه حفاظت از دارایی‌های فرهنگی در

معرض خطر، به دلیل فعالیت‌های عمومی و خصوصی^{۱۵}
(اجلاس پاریس)

این پیشنهاد به خاطر ساخت‌وساز سد بزرگ در دره نیل و خطر آن برای معابد باستانی، مطرح شد. در این توصیه‌نامه خاطر نشان می‌شود که حفظ و نگهداری اموال فرهنگی باید با تغییرات اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شود. اصول کلی نگهداری میراث‌های مکانی در محل طبیعی است، اما وقتی مسائل اقتصادی و اجتماعی مهم‌تر شوند، اموال فرهنگی باید به محل دیگری منتقل شوند. در ابتدای این سند و در مبحث ضرورت‌ها به مواردی نظیر «وابستگی تمدن معاصر به قدرت خلاقه و رشد اجتماعی اقتصادی مردم، نقش دارایی‌های فرهنگی در شکل‌گیری هویت مردم، توجه به ضرورت حفظ آثار مهم تاریخی و هنری و وابستگی سلامتی و تندرستی آدمیان»، به وجود محیط زیستی مطلوب و مناسب اشاره شده است. در بندهای ۸ تا ۱۱ این توصیه‌نامه به اقدامات منعی و اصلاحی برای حفاظت آثار، به‌ویژه در پروژه‌های توسعه شهری

می‌شود که هنگام ساخت بناها، خصوصیت و سیمای ظاهری شهرهای محل ساخت آن‌ها رعایت شود. خصوصاً در همسایگی یادمان‌های باستانی، که باید توجه خاصی به محیط اطراف آن‌ها کرد، «حتی از بعضی مجموعه‌ها و بعضی دورنماهای تماشایی باید مراقبت شود و از همه اشکال تبلیغات و برپایی دکل‌ها و استقرار کارخانه‌های پرسروصدا ممانعت کرد». از «نقاط ضعف» این است که در این منشور با اشاره‌ای گذرا، «محدود ساختن بناها» در شهرهای تاریخی مطرح و «شروطی بسیار کلی» بر آن‌ها مترتب می‌شود. شاید بخشی از این کلی‌گویی ناشی از تاریخ تصویب منشور در اوایل قرن گذشته و نداشتن پشتوانه‌های تجربی غنی مرمت شهری در دهه‌های بعد قرن بیست است. در عین حال در همین بند و در جانمایی بناهای جدید در محوطه‌های تاریخی و در مجاورت یادمان‌ها می‌توان به نکات دیگری اشاره کرد که جای آن‌ها در منشور خالی است. برخی از این نکات چنین هستند: لزوم رعایت حریم و محدودیت ارتفاعی، هماهنگی در دانه‌بندی قطعات و احجام، ترکیب توده و فضا در مقیاس نمای شهری، خط آسمان، ترکیب و فرم بناها و ترکیب پر و خالی، وضوح نماسازی‌های جدید در مقایسه با وضع موجود، تناسب تراکم ایجادشده با تراکم زمینه، و تجانس فرم و رنگ مصالح جدید با قدیم.

۴.۱.۲. منشور ونیز^{۱۴}

دومین کنگره بین‌المللی معماران و تکنسین‌های آثار تاریخی، منشور بین‌المللی حفظ و نگهداری و بازسازی آثار و محل‌ها را تصویب کرد که به «منشور ونیز» شناخته می‌شود و نیاز به معرفی مؤثر برای جامعه متخصصین ندارد. در این منشور که مرجعی بین‌المللی و پایه‌ای برای حفظ و نگهداری شناخته می‌شود تأکید شده که میراث فرهنگی را باید در اصیل‌ترین حالت خود به نسل‌های آینده تحویل داد. اما در ماده ششم این منشور ضرورتاً و به صورت «بسیار کلی» به اهمیت تجانس

14. The Venice charter, 1964
(<http://www.international.icomos.org/charters>;

همان، دفتر هشتم، ص ۴۹؛ همان، دفتر هفتم، ص ۱۵۳).

15. Recommendation
Concerning the
Preservation of Cultural
Property Endangered by
Public or Private Works,
1968

(همان، دفتر هشتم، ص ۵۰؛ همان، دفتر هفتم، ص ۵۰، ۹۸، ۱۰۷).



از توجه به ایجاد قطب‌های قابل قبول جدید توسعه در مجاورت محوطه‌های تاریخی، تمرکز نقش و بارگزاری فعالیت و جذب جمعیت در آنان و تخلیه تدریجی محوطه‌های تاریخی (که به آسیب آنان منجر می‌شود) باز می‌ماند.

این توصیه‌نامه آن قدر که در تصویر فضای فکری (در مبحث ضرورت‌ها) روشن است، در بخش راهکارهای فنی کارا نیست و به این امر در قالب تدوین ضوابط به متعهدین در این توصیه‌نامه پرداخته می‌شود.

۴.۱.۴. توصیه‌نامه حفاظت ملی میراث فرهنگی و طبیعی^{۱۶}

در این توصیه‌نامه حفاظت از آثار طبیعی و فرهنگی عاملی تعیین‌کننده در روند رشد ملی محسوب و اشاره می‌شود که میراث فرهنگی و طبیعی در تمامیت آن باید یک کل همسان و به هم پیوسته تلقی شود که نه تنها دربرگیرنده آثاری با ارزش ذاتی بالا باشد، بلکه اقلام کوچک‌تر و با اهمیت کمتر را، که با گذشت زمان ارزش فرهنگی و طبیعی کسب کرده‌اند، شامل شود. در بندهای ۵ تا ۷ این توصیه‌نامه اشاره شده است که، این آثار نباید از محیط خود جدا شود و از آنجا که هدف غایی حفاظت، نگاه‌داری، و عرضه میراث فرهنگی و طبیعی رشد انسان است، طوری عمل شود که میراث یادشده مانعی بر سر راه توسعه ملی نباشد، بلکه عاملی تعیین‌کننده در توسعه تلقی شود. در بند ۴۴ این توصیه‌نامه آمده:

نوسازی‌ها، تخریب، تغییر شکل و اصلاح املاک مجاور محوطه‌های تاریخی، و قطع درختان، چنانچه نمای ظاهری این محوطه‌ها را تغییر دهد، بایستی منوط به اجازه مقامات مسئول باشد و در بند ۴۵ دارد:

نصب اعلان‌های دیواری، علائم نئون و تبلیغات، علائم بازرگانی، برقراری اردو، برپایی تیرهای برق، دکل‌ها و کابل‌های برق وتلفن، محل آنتن‌های هوایی، انواع محل‌های توقف و آمد و شد وسایل

و نوسازی‌های بافت، اشاره شده و به‌ویژه بر روی ویژگی و تداوم تاریخی چنین آثاری تأکید شده است. در این خصوص، به‌ویژه در بند ۲۴ آمده است:

محل‌های تاریخی در شهرها و روستاها، مجموعه ساختارهای سنتی، ساختارهای بدوی فرهنگ‌های پیشین و سایر دارایی‌های فرهنگی که از سوی فعالیتهای عمومی و خصوصی تهدید می‌شوند، باید از طریق محدوده‌سازی و یا برنامه‌ریزی حفاظت شوند. [همچنین] محل‌های تاریخی در مراکز شهری و روستایی و مجموع ساختارهای سنتی باید تفکیک و منطقه‌بندی شوند [و] ضوابط مربوط به حفظ و نگاه‌داری ویژگی و محیط اطراف آنها بایستی تعیین گردد. این ضوابط شامل اعمال نظارت بر اندازه و چگونگی «نوسازی» ساختارهای مهم هنری و تاریخی و نوع و طرح ساختارهای جدید است. در این راستا ضوابطی که باید در مورد محیط اطراف بناها و محوطه‌ها جاری باشد، تا ویژگی‌ها و خصوصیات آنها حفظ شود، تبیین گردیده است. همچنین اصلاح و تعدیل مقررات حاکم بر ساخت بناهای جدید مد نظر قرار گرفته است.

در این سند حفاظت دارایی‌های فرهنگی در مقیاس بزرگ مد نظر است و با تأکید بر برنامه‌ریزی، روش‌های منطقه‌بندی، تعریف محدوده‌های ویژه، و تفکیک، راهکارهایی برای حفاظت محل‌های تاریخی شهری و روستایی و مجموعه ساختارهای سنتی و یا بدوی فرهنگ‌های پیشین معرفی و از سوی دیگر، برای «نوسازی‌ها» در اطراف محدوده‌های تاریخی و همچنین برای حفظ ویژگی اطراف بناها و محوطه‌های تاریخی، تدوین ضوابط و مقررات تکلیف می‌شود. نکته برجسته دیگر این سند این است که نسبت به از بین رفتن ساختارهای کم‌اهمیت‌تر اطراف بناهای تاریخی در روند اجرای طرح‌های توسعه هشدار می‌دهد. اما «از نقاط ضعف این توصیه‌نامه» این است که به موضوع ایجاد خطوط جدید ارتباطی، خطوط انتقال نیرو، و زیرساخت‌های شهری، به منظور برنامه‌ریزی‌های پیشگیرانه و اصلاحی توجهی نمی‌شود. از سوی دیگر، با تمرکز بر روی محوطه‌های تاریخی،

16. Recommendation Concerning the Protection, at National Level, of the Cultural and Natural Heritage, 1972.

(همان، دفتر هشتم، ص ۵۰؛ همان، دفتر هفتم، ص ۱۱۲).

بر «جنبه‌های منفی جهانی شدن و یکسان‌سازی» توجه شده، بر «منع ساخت‌وسازهای جدید صراحتی ندارد». در این سند، به دلیل هدف اصلی آن، بر حفاظت دارایی‌های فرهنگی تأکید شده و ترسیم فضای فکری است که می‌تواند تا حد زیادی راهنما و معرف خطوط قرمز در ساخت‌وسازهای جدید باشد، و از این نظر حائز اهمیت است.

۴. ۱. ۶. منشور بورا^{۱۷}

این منشور راهبردی در ایکوموس استرالیا و براساس منشور ونیز در ۱۲ بند برای حفظ نوع خاصی از میراث در آن منطقه تنظیم و در بسیاری از کشورها به صورت یک مرجع معتبر پذیرفته شده است. در این منشور در تعاریف، به جای ذکر آثار یادبود و مکان‌ها، از واژه محل به معنای مکان، منطقه، ساختمان‌سازی یا کارهای دیگر، مجموعه‌ای از ساختمان‌ها با محتوا و محیط مربوط به آن، استفاده شده است. مواد ۳، ۵، ۶ و ۸ این منشور نکاتی دارد که به حیطة مداخلات فیزیکی وارد می‌شود. بند ۳: «شالوده حفاظت ملاحظه و توجه به بافت موجود است و باید دربرگیرنده حداقل مداخله فیزیکی ممکن باشد. حفاظت نباید موجب تحریف شواهدی شود که بافت یک مکان فراهم آورده است». بند ۵: «در انجام حفاظت از یک مکان باید تمامی جنبه‌های معنوی و اهمیت فرهنگی آن مد نظر قرار گیرد، بدون آنکه تأکیدی ناموجه بر یکی از این جنبه‌ها، به قیمت از دست رفتن سایر جنبه‌ها داشته باشیم». بند ۶: «خط مشی متناسب برای حفاظت از یک مکان باید در وهله اول بر اساس فهم معنای فرهنگی و شرایط فیزیکی آن تعیین شود». بند ۸: «حفاظت مستلزم نگاه‌داری از موقعیت بصری متناسب، مانند صورت، مقیاس، رنگ، بافت و مصالح، است. هر نوع ساخت‌وسازهای جدید، تخریب یا تبدیل که به طور جدی بر چنین موقعیتی تأثیر گذارد و بنا بر این بر درک و لذت از یک مکان تأثیرگذار باشد، نباید نادیده گرفته شود». چنانکه مشخص است این منشور بر اساس هدف حفاظت از میراث فرهنگی و

نقلیه، محل تابلوهای الکتریکی اطلاع‌رسانی، نیمکت‌ها، و سایر لوازم مورد استفاده در خیابان، و هر موضوع مرتبط با تجهیز و تصرف دارایی‌هایی که جزء میراث فرهنگی و طبیعی محسوب می‌شوند، باید تحت نظارت و ضوابط مقررات خاص صورت پذیرند. اما در این توصیه‌نامه با رویکردی کل‌نگر، بیش از امر احیا و معاصرسازی، به حفاظت و حفظ چهره و محتوای سنتی میراث فرهنگی و طبیعی توجه شده و آنچه را که در مسیر احیا در آن مجاز گردیده، به مواردی بسیار محافظه‌کارانه محدود شده است. به تعبیری در این سند اگرچه احیای میراث فرهنگی و طبیعی در حیات جامعه تشویق شده، ولی با آنکه در آن نگاه مؤکدی بر ساخت‌وسازهای جدید نیست، اما خوشبختانه تحقق آن‌ها مشروط به اجازه مراجع مسئول، نظارت، و ضوابط خاص شده است. با این تفاسیر جا داشت در بند ۴۲، در کنار توسعه‌های جدید، تغییر پوشش گیاهی در کنار قطع درختان، استخراج و برداشت مواد از محوطه‌های مورد نظر، افزایش و تغییر تراکم موجود در ساخت‌وساز جدید، و دقت در ایجاد زیرساخت‌ها و خطوط ارتباطی، به ضرورت هماهنگی نیز اشاره می‌شد. همچنین در بند ۴۵ و در فضای عمومی شهر جا داشت که موضوع پوشش گیاهی شهر، نورپردازی عمومی و به‌ویژه پیرامون بناهای تاریخی، کف‌سازی معابر و فضاهای شهری، و نیز بافت و ترکیب کلی نمای بناها، به‌ویژه در اطراف فضاهای عمومی، مطرح می‌گردید.

۴. ۱. ۵. سند نارا در مورد اصالت^{۱۸}

سند نارا در نتیجه گسترش زمینه حفظ و نگاه‌داری میراث فرهنگی در جهان و نیاز به تعیین راهبردها برای ارزیابی اهمیت و صحت مکان‌های میراث جهانی تنظیم گردید. ضرورت تدوین این سند، تعیین راهبردها برای ارزیابی اهمیت و اصالت دارایی‌های فرهنگی است، اما کمتر به «وضعیت این دارایی‌ها در حیات معاصر جامعه» پرداخته شده است. اگرچه در سند نارا

17. The Nara Document on Authenticity, 1994 (<http://www.icomos.org/charters>); همان، دفتر هشتم، ص ۵۵؛ همان، دفتر هفتم، ص ۱۸۹.
18. The Burra Charter, 1996 (<http://australia.icomos.org>) همان، دفتر هشتم، ص ۵۲؛ همان، دفتر هفتم، ص ۱۹۵.



احوال کل فرهنگ معاصر، باید به شیوه‌ای معقول و امکان‌پذیر، به جامعه میزبان و نیز به بازدیدکنندگان کمک کند تا اهمیت و معنای این میراث را بفهمند و آن را درک کنند.

و در ذیل ماده ۲ آمده:

مکان‌های عمده میراث فرهنگی ارزشی دائمی برای همه انسان‌ها دارند که شالوده‌های مهم برای تنوع فرهنگی و توسعه اجتماعی محسوب می‌شود. حفاظت و حفظ بلندمدت فرهنگ‌های زنده، مکان‌های میراث، مجموعه‌ها، یکپارچگی فیزیکی و بوم‌شناختی، و نیز بافت محیطی آن‌ها باید از محورهای اصلی سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و خط‌مشی‌های سیاسی، قانون‌گذاری، و فرهنگی توسعه گردشگری باشد.

در این ماده تأکید شده که در پروژه‌های نوسازی و زیربنایی گردشگری باید ابعاد زیبایی‌شناختی، اجتماعی، و فرهنگی، چشم‌اندازهای طبیعی و فرهنگی، خصوصیات تنوع زیستی و بافت بصری کلی مکان‌های میراث مد نظر باشند و بهره‌گیری از مصالح محلی و ملاحظه سبک‌های معماری محلی یا سنت‌های بومی باید در اولویت قرار گیرند. در این بیانیه، چنان‌که در نام و هدف آن آمده، بر «گردشگری فرهنگی و تعامل آن با میراث فرهنگی» تمرکز یافته و در زمره اهداف آن، از «ارتباط میان مکان‌های میراثی و گردشگری پویا از طریق حفاظت و توسعه پایدار و همچنین لازم و ملزوم بودن حفاظت بافت‌های تاریخی و صنعت گردشگری» سخن به میان آمده است. محتوای سند بر حفاظت و ارتباط آن با «گردشگری» متمرکز است و نوع مداخلات در محدوده «بهسازی، نوسازی، و بازسازی» پذیرفته شده است. ولی در خصوص ساخت‌وسازهای جدید نیز منعی مطرح نشده است، هرچند حساسیت‌های منعکس در فضای فکری و بخش اصول منشور می‌توانند معرف انتظارات، نگرانی‌ها و چارچوب‌ها در شکل‌گیری ساختارهای جدید باشند.

بازیابی اهمیت فرهنگی مکان‌ها (در مقیاس‌های مختلف) شکل گرفته است. اقدامات مورد نظر این سند بهسازی و در صورت لزوم نوسازی مشروط و به‌ندرت بازسازی تکمیلی است. تنها در ماده هشتم (اصول حفاظت) این سند است که به صورت حاشیه‌ای ساخت‌وسازهای جدید مطرح و به‌شدت مشروط می‌شود ولی منع نمی‌شود. شروط در این ماده بسیار کلی هستند، ولی در قالب فضای فکری منشور در بخش اصول حفاظت، می‌توانند، از طرف گروه‌های متخصص در هر محدوده خاص تاریخی، مبسوط و اجرای آن‌ها اجباری گردد. به نظر می‌رسد که به دلیل آنکه این موضوع هدف منشور نبوده، به صورت حاشیه‌ای در آن مطرح و سازوکار اخیر نیز در متن پیش‌بینی نشده است.

۴.۱.۷. بیانیه بین‌المللی جهانگردی فرهنگی^{۱۹} (بیانیه مکزیکو سیتی)

این بیانیه برای مدیریت گردشگری در مکان‌های عمده میراث و از طرف ایکوموس تنظیم شده است. کمک به مدیریت میراث در انتقال اهمیت و معنا به بازدیدکنندگان، کمک به صنعت گردشگری در بهبود میراث و فرهنگ جوامع، تشویق تعامل بین گردشگری و میراث در کاهش آسیب‌ها و آینده‌ای پایدار، تشویق طرح‌ریزی‌ها و سیاست‌های مرتبط به منظور حفظ و نگهداری میراث بخش‌هایی از اهداف این منشور هستند. در این مواد بدون در نظر گرفتن لازمه ساخت‌وسازهای جدید در محیط‌های تاریخی، برای توسعه گردشگری بیشتر به مبحث گردشگری در قالب نهاد (و نه گزاره) نسبت به مناطق تاریخی اشاره شده است. در ماده یکم دارد:

میراث طبیعی و فرهنگی، منبعی مادی و معنوی است که شکل توسعه تاریخی را روایت می‌کند و نقش بسیار مهمی در زندگی مدرن دارد و از این رو باید به لحاظ فیزیکی، فکری و یا احساسی قابل حصول برای عموم مردم باشد. برنامه‌های حفظ و حفاظت از خصیصه‌های فیزیکی، جنبه‌های معنوی، بازتاب‌ها، و اوضاع و

19. International Cultural Tourism Charter, 1999

(همان، دفتر هفتم، ص ۲۰۲-۲۰۳).

20. Charter on the Built Vernacular Heritage, 2000

(همان، دفتر هفتم، ص ۲۱۱ و ۳۹۳).

۴. ۱. ۸. منشور میراث ساخته‌شده بومی^{۲۰} (بیانیه مکزیکوسیتی)

از آنجا که به علت همگون‌سازی فرهنگ و دگرگونی اجتماعی-اقتصادی جهانی، ساختارهای بومی سراسر جهان بسیار آسیب‌پذیر و با مشکلات جدی کهنگی‌پذیری، توازن داخلی و یکپارچگی روبه‌رو هستند، این منشور به ضرورت تدوین اصولی افزون بر منشور ونیز، برای مراقبت و حمایت از میراث ساخته‌شده بومی، وضع گردید. در این منشور دارد: «بنای بومی، راه سنتی و طبیعی خانه‌سازی و اسکان جوامع است.» روندی پیوسته از تغییرات ضروری و سازگاری مداوم که پاسخی به الزامها و محدودیت‌های اجتماعی و محیطی است»^{۲۱}. در این منشور آمده که بقای این سنت از سوی فشارهای مربوط به همگون‌سازی اقتصادی، فرهنگی و معماری در همه جای جهان در معرض تهدید قرار دارد. منشور به گریزناپذیری از تغییر و توسعه اشاره دارد، ولی بر ضرورت احترام به هویت فرهنگی تثبیت‌شده جامعه با بهره‌گیری از تخصص چندرشته‌ای تأکید می‌شود، در بند ۲ دارد:

کارهای جدید روی بناها، مجموعه‌ها و ماندگاه‌های بومی باید ارزش‌های فرهنگی و ویژگی سنتی آنها را محترم بشمارد. میراث ساخته‌شده بومی، بخش جدایی‌ناپذیر از چشم‌انداز فرهنگی بوده و در توسعه رویکردهای حفاظت باید به این رابطه توجه شود. این میراث نه تنها دربرگیرنده صورت فیزیکی و ساختار بناها و فضاها است، بلکه راه و رسم درک و بهره‌گیری از آنها و سنت‌ها و پیوندهای ناپدیدار وابسته به آنها را نیز مد نظر قرار می‌دهد. مداخله در ساختارهای بومی باید طوری انجام شود که یکپارچگی و ارتباط با چشم‌انداز فیزیکی و فرهنگی و ارتباط یک ساختار با ساختار دیگر را حفظ کند.

در بند ۴ دارد: «جایگزینی مصالح و قطعات و دگرگونی‌هایی که به صورتی منطقی به مطالبات کاربرد جدید و معاصر بنا پاسخ

می‌دهند، باید با استفاده مصلحی انجام شوند که تداوم و انسجام بیان و بازتاب درونی، جلوه ظاهری، بافت و فرم در سرتاسر ساختار و همچنین هماهنگی مواد و مصالح ساختمانی را حفظ کنند.» در بند پنجم، در تأکید بر سازگاری‌های نو و کهنه دارد:

سازگاری و بهره‌گیری مجدد از ساختارهای بومی باید به روشی به انجام رسد که یکپارچگی و انسجام ساختار، ویژگی و فرم را رعایت کند و در عین حال با استانداردهای قابل‌قبول زندگی سازگار باشد. چنانچه هیچ گسستی در بهره‌گیری مداوم از فرم‌های بومی وجود نداشته باشد، ضوابط اخلاقی درون جامعه را می‌توان به عنوان ابزار مداخله در این ساختارها به کار برد.

چنان‌که مشخص است در این منشور با عنایت به حفاظت میراث بومی با پذیرش گریزناپذیری از تغییر و توسعه، بر استفاده از تخصص‌های گوناگون، معاصرسازی با حداقل مداخله، و تغییر بنا در قالب نوسازی تأکید شده است^{۲۲}. «منع ساخت‌وسازهای جدید در این سند صراحت ندارد» ولی محتوا و تأکید آن بر «حفاظت و مداخله حداقلی» است. فضای اندیشه غالب بر منشور منبع الهام در خصوص تدوین «راهنمای طراحی» در این محوطه‌ها است. به نظر می‌رسد که برخی بندهای منشور که موارد مداخله در ساختارهای بومی است می‌توانند با اشارات زیر تکمیل گردند: ارتباط با چشم‌انداز طبیعی و توپوگرافی احتمالی بستر استقرار محدوده، رعایت دانه‌بندی، مقیاس و الگوی نظم دانه‌های قطعات محدوده در پلان و در نیمرخ محدوده، ارتباط عناصر جدید با سایر ساختارها به لحاظ رعایت الگوی حجمی، فاصله، فرم و تناسب فضای پر و خالی، فرم توده، فرم بام و رعایت کریدورهای دید از و به محوطه تاریخی. در بند ۴ و در دگرگونی‌های مورد نیاز معاصرسازی، علاوه بر استفاده از مصالح و مواد سنتی و هماهنگ، ترجیحاً [و به ویژه در جامعه خود ما] استفاده از سازه‌های سنتی هم به لحاظ عملکرد بهتر و هم به لحاظ تداوم، انسجام بیان، بازتاب درونی و جلوه ظاهری توصیه می‌گردد.

۲۱. محسن حبیبی و ملیحه مقصودی، همان، ص ۱۵۵.
22. Recommendation Concerning the Safeguarding of the Beauty and Character of Landscapes and Sites, 1962 (همان، دفتر هشتم، ص ۴۹؛ همان، دفتر هفتم، ص ۸۱ و ۸۳ و ۸۵).



آن‌ها بایستی قدغن و یا تحت نظارت و یا محدود به مکان‌های خاصی شود». موضوع اصلی این توصیه‌نامه محوطه‌ها از جمله نمونه‌های انسان‌ساخت در بافت‌های شهری است که از سوی عملیات ساختمانی تهدید می‌شوند. اگرچه در بخش مقدمه و در ضرورت‌ها به «عرصه‌های وسیع چشم‌اندازهای محیطی و اثرات زیبایی‌شناسی آن‌ها بر فرهنگ و حیات جسمی، اخلاقی، و معنوی انسان‌ها» و همچنین به «اثرات آن‌ها بر حیات اقتصادی-اجتماعی کشورها» اشاره می‌شود، ولی در مرحله تنظیم دستورالعمل‌ها به «حوزه محدود محوطه‌های خاص شهری، مسیرهای منتهی به بناهای تاریخی و طراحی بناها، و لزوم هماهنگی با بناهای هم‌جوار و همچنین محوطه‌های کوچک و منفرد و محدوده‌های ساختمانی اطراف بناهای ممتاز» معطوف گردیده است. این توصیه‌نامه بیشتر بر «نظارت عمومی»، «الحاق تعهدات در طرح‌های توسعه شهری و روستایی»، و «برنامه‌ریزی چشم‌اندازها در مقیاس ناحیه‌ای» تأکید دارد. اگرچه در این توصیه‌نامه به‌درستی در مفهوم هماهنگی ساخت‌های جدید با محوطه‌های ساختمانی اطراف به «پرهیز از تقلید سرسری فرم‌های سنتی» توصیه می‌شود، ولی بیشتر متوجه محوطه اطراف بناها و چشم‌اندازهای محیطی پیرامون مجموعه‌های ساختمانی است. با این حال به موضوع افق بافت شهر، نیم‌رخ آن، جانمایی بافت در بستر ارتفاعات و یا جایگاه بافت شهر در هم‌جواری رودخانه‌ها، چشم‌انداز عناصر طبیعی از درون بافت ساختمانی و یا موضوع تداوم ترکیب تاریخی (تراکم ساختمانی، ترکیب بناها و محوطه‌های طبیعی سبز، پر و خالی بافت و...)، حریم‌گذاری و محدودیت ارتفاعی در اطراف بناهای تاریخی و یا شاخص و حفاظت محوطه‌های حائل شهر قدیم و توسعه‌های جدید (در محل حصار و خندق شهر) اشاره نمی‌شود.

۲.۲.۴. منشور میراث معماری اروپا^{۲۳} (کنگره آمستردام)
این منشور، که شورای اروپا به مناسبت سال میراث معماری اروپا آن را تنظیم کرد، در قالب اصولی ایده میراث فرهنگی را به

۲. اسناد گروه دوم

۲.۴.۱. توصیه‌نامه حفظ، حراست از زیبایی و ویژگی‌های چشم‌اندازها و محوطه‌ها^{۲۴} (توصیه‌نامه یونسکو)

پس از مقدمه و طرح ضرورت‌های توصیه‌نامه حفظ چشم‌اندازها و محوطه‌ها، در بند ۵، با توجه به آسیب‌های اجتماعی منجر به تخریب در همه دوره‌ها و تأثیر منفی پدیده توسعه صنعتی، کشاورزی و مراکز شهری تمدن‌های نوین بر ارزش زیبایی‌شناختی چشم‌اندازها و محوطه‌ها، آمده که «به دلیل اثرات حیات‌بخش جسمی، اخلاقی، و معنوی و در عین حال به دلیل سهم در حیات هنری و فرهنگی انسان باید ضوابط ویژه‌ای برای حفظ و حراست زیبایی و ویژگی‌های چشم‌اندازها تعیین گردد». در بند ۷ نیز دارد: «طراحی» ساختمان‌های عمومی و خصوصی باید به گونه‌ای باشد که مقتضیات زیبایی‌شناختی خود ساختمان را رعایت کند و در عین حال که از تقلید سرسری فرم‌های سنتی و تماشایی پرهیز می‌کند، باید با فضای عمومی اطراف ساختمان، که حفظ آن را ارزشمند می‌دانیم، در هماهنگی کامل باشد». در بند ۱۷ و در بخش اقدامات حفاظتی نیز به این موارد اشاره شده: «چنانچه در یک ناحیه برنامه‌ریزی‌شده، زیبایی در اولویت باشد، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای می‌بایستی نظارت بر زمین‌های ساختمانی و شرایط زیبایی‌شناسی درباره استفاده از مواد و رنگ آن‌ها، ارتفاع، استانداردها، و پیش‌بینی برای اصلاح شکل زمین و... را شامل شود». در بندهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ به محوطه‌های منفرد کوچک، مناطق خوش‌منظره و سایر مناطق و ساختمان‌هایی با بناهای ممتاز و برجسته اشاره شده که باید تحت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری اجرایی قرار گیرند: «مالک بدون اجازه مقامات مسئول حق تخریب محوطه یا تغییر و تبدیل شرایط و وضع ظاهری آن را ندارد و امکان کسب مجوز برای فعالیت‌هایی که احتمالاً ویژگی و سیمای محوطه‌های برنامه‌ریزی شده را تغییر دهد، نباید وجود داشته باشد». در بندهای ۲۵ و ۲۶ دارد: «تبلیغات و برپایی اردو و چادر در محوطه‌های برنامه‌ریزی‌شده و محیط‌های بلافضل

23. European Charter of the Architectural Heritage, 1975 (<http://www.icomos.org/en/charters-and-texts/179-articles-en-francais/ressources/charters-and-standards>;

همان، دفتر هشتم، ص ۵۱؛ همان، دفتر هفتم، ص ۱۶۴-۱۶۷).

ساختمان‌های کوچک‌تر در شهرهای قدیمی و روستاهای ویژه تعمیم می‌دهد. در بند ۱ این منشور آمده است که:

مجموعه ساختمان‌ها حتی اگر دربردارنده هیچ نمونه ارزشمند و برجسته‌ای نباشند، فضایی که دارند احتمالاً کیفیت آثار هنری را به آن‌ها می‌بخشد، که دوره‌ها و سبک‌های گوناگون را در قالب تمامیتی سازگار و هماهنگ به یکدیگر پیوند می‌دهد. آنچه که در بالا گفته شد حاکی از ویژگی خاص برخی مجموعه‌های ساختمانی تاریخی است که به واسطه هماهنگی و انسجام خود واجد ارزش بوده و لزوماً بایستی حفاظت شوند.

همچنین در بند ۳ در خصوص زنده نگاه داشتن شواهد گذشته آمده:

هر نسل تعبیری متفاوت از گذشته داشته و الهامات تازه‌ای از آن می‌گیرد. تخریب هر بخش از آن به بی‌نوایی بیشتر ما می‌انجامد، چرا که «آثار جدید» هر قدر عالی باشد، فقدان از دست‌رفته‌ها را جبران نمی‌کند.

نکته مهم در این منشور نیم‌نگاهی است که به معماری مدرن در بند ۷ آمده است: «حفظ یکپارچه آثار، مانع خطرات تخریب میراث، حفظ یکپارچه آثار به معنی عدم به کارگیری «معماری مدرن» در محدوده‌های با ساختمان تاریخی نیست، مشروط بر آنکه بافت، تناسب‌ها، صورت‌ها، اندازه‌ها و مقیاس‌های موجود کاملاً رعایت شوند و از مواد و مصالح سنتی در انجام مرمت بهره‌گرفته شود». از آنجا که «موضوع میراث معماری و تعمیم آن به ساختارهای کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تر تا سطح روستاهای ویژه در اروپا هدف این منشور است»، موضوع «ساخت‌وسازه‌های جدید» اگرچه پذیرفته شده، ولی به صورت حاشیه‌ای در آن مطرح گردیده است. منشور نه‌تنها ساخت‌وسازه‌های جدید را پذیرفته، بلکه در این بند معماری مدرن را مشروط به رعایت شروطی مجاز می‌داند. مشکل اینجا است که شروط گفته‌شده، بسیار محدود، کلی، و طبعاً قابل‌تفسیر هستند، ولی در جایی نیز

24. Resolutions of the International Symposium on the Conservation of Smaller historic towns, at the 4th ICMNOS General Assembly
(همان، دفتر هشتم، ص ۴۰۰؛ همان، دفتر هفتم، ص ۲۱۸).

متعهدین موظف به تنظیم ضوابط و مقررات مرتبط برای اعمال کنترل‌های لازم در این خصوص نمی‌شوند. چگونگی برخورد صورت‌گرفته در منشور با ساخت‌وسازهای جدید، گویای تأکید نداشتن منشور بر این‌گونه مداخلات، ولی پذیرش منطقی آن است.

۳.۲.۴. سمپوزیوم بین‌المللی حفاظت از شهرهای کوچک تاریخی، چهارمین مجمع عمومی ایکوموس^{۲۴} (بیانیه روتنبرگ)

این سند به ضرورت آگاه‌سازی دولت‌ها در تشدید تلاش برای نگهداری کیفیات مثبت محیط شهری و روستایی و ضرورت مسئولیت لازم اولیای امور برای حمایت از این بافت‌ها در برابر فشارهای ناشی از توسعه، صنعتی‌شدن بیش از اندازه، مهاجرت، و رکود اقتصاد محلی تنظیم گردیده است. در خصوص ضرورت‌ها و اهمیت موضوع در بند ۴ سند دارد:

افزایش سریع جمعیت و مهاجرت به سوی شهرها در کشورهای در حال توسعه از احتمال تلاشی ساختار فعلی سکونت‌خبر می‌دهد. هویت ملی و فرهنگی این کشورها، چنانچه از انحطاط و تضعیف پیوندهای فعلی خود با گذشته‌شان جلوگیری نشود، دچار فقر غیرقابل‌جبرانی خواهد شد. هیچ‌یک از این پیوندها اهمیتی فراتر از محیط‌های معماری بومی‌شان ندارند. محیطی که در طول سده‌ها و در پاسخ به شرایط فیزیکی و آب‌وهوایی بر حسب ساختار سکونت، فرم خانه‌ها، فنون اجرایی و کاربرد مصالح محلی رشد کرده و متحول شده است.

در بند ۵ نیز خط‌مشی‌های منطقه‌ای و محلی برآوردن نیازهای خاص شهر و لزوم عرضه طرح برای حفظ ارزش‌ها تأکید شده است:

در سطح محلی، طراحی باید ضرورت حفظ و بهبود ارزش‌های خاص شهر را به رسمیت بشناسد و هدف از آن باید این موارد باشد: «رعایت مقیاس شهر در تمامی ساخت‌وسازهای جدید»،



۴.۲.۴. توصیه‌نامه حراست از نقش امروزی محدوده‌های تاریخی^{۲۵} (توصیه‌نامه نایروبی)

این سند در مجمع عمومی یونسکو در نایروبی و به دلیل نگرانی از خطرات خانه‌سازی یکنواخت و بدون ویژگی خاص در شهرها بر روی مراکز و مناطق قدیمی شهر و روستاهای سنتی تنظیم شد. در همین خصوص، به تعریف مناطق تاریخی، یعنی بخش پیوسته به فعالیت‌های انسانی، ساختمان‌سازی، و محوطه آن، توجه خاص شده است. در مقدمه این سند، در بند ۳، آمده:

با در نظر گرفتن اینکه محدوده‌های تاریخی بخشی از محیط زیست انسان محسوب و تخریب محدوده‌های تاریخی و عملیات نامتناسب بازسازی در جهان، به بهانه توسعه یا نوسازی، آسیب شدید به این موارث تاریخی وارد می‌کند و با در نظر گرفتن اینکه تخریب میراث تاریخی اغلب موجب عدم آرامش و تعرض به حقوق اجتماعی شهروندان تلقی می‌گردد، هر محدوده تاریخی و محیط اطراف آن باید یک کل به هم پیوسته تلقی شود، در این خصوص باید توازن و ماهیت خاص این محدوده‌ها و پیوستگی اجزا آن مد نظر قرار گیرد.

در بند ۴ دارد: «محدوده‌های تاریخی بایستی به صورت فعالانه در مقابل انواع آسیب‌ها حفاظت شوند،... باید به هماهنگی و زیبایی ناشی از به هم پیوستگی یا تباین بخش‌های گوناگون تشکیل‌دهنده مجموعه‌های ساختمانی، که به هر مجموعه شخصیت خاص خود را می‌دهد، توجه فراوان کرد». در بند ۵ توصیه اکیدی به معماران و شهرسازان شده و دارد:

در شهرسازی نوین با افزایش قابل توجه میزان و تراکم ساختمان‌ها، جدای از خطر تخریب مستقیم محدوده‌های تاریخی، ممکن است توسعه‌های جدید به محیط و ویژگی محدوده‌های تاریخی مجاور آسیب برسانند. معماران و شهرسازان باید دقت کنند که چشم‌انداز منظره بناها و محدوده‌های تاریخی، خراب نشود و این محدوده‌ها به طریقی همساز و هماهنگ با زندگی معاصر تلفیق و ترکیب شوند.

احترام به ویژگی بناهای چشمگیر و ارتباط آن با چشم‌انداز شهر، حفظ ویژگی‌های بصری خاص فضاهای شهری، خیابان‌ها و میداين، نه تنها در «جزیره‌های ایزوله شده سنت»، بلکه در کل بافت، تا به این ترتیب «حداقل شبکه‌ای ممتد» به وجود آید که نقاط اصلی ارزشمند را به یکدیگر متصل کند.

در این سند در مرحله بیان راهبردها، اگرچه به صورت منطقی بر ضرورت حفاظت این‌گونه شهرها در قالب برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و محلی تأکید شده، ولی در توجه به ارزش‌های خاص یک شهر به منظور مشروط‌سازی ساختارهای جدید، بیشتر در مقیاس معماری محدود می‌گردد و کمتر به عرصه شهرسازی وارد می‌شود. همچنین، جا داشت که بر این موارد نیز در بند ۳ تأکید شود: «نظام محله‌بندی و الگوی موزائیک واحدهای همسایگی در بافت، نظام پراکنش و استقرار مراکز خدماتی (مراکز محلات) در بافت، ساختار نظام کالبدی در مقیاس محلات و در مقیاس هسته تاریخی شهر، ابعاد عرف، تناسبات، فرم، الگو و مدول دانه‌بندی احجام و فضاهای خالی در پلان و نیمرخ شهر، الگو و تناسب ترکیب فضای پر و خالی و همچنین توده پر و سبز در پلان و نیمرخ شهری، ترکیب نیمرخ شهر و چشم‌انداز طبیعی زمینه آن، کریدورهای دید از فضاهای شهری به چشم‌اندازها و بالعکس، کیفیت تبدیل و اتصال بافت پر محدوده به بافت باز و سبز پیرامون هسته تاریخی، الگوی پراکنش، ارتباطات، و فرم فضاهای شهری در بافت». در تشریح بیشتر جزئیات مواد این سند موارد زیر نیز بهتر بود مورد نظر قرار می‌گرفت: «تناسبات و فرم فضاهای شهری در پلان، تناسب ارتفاعات به ابعاد عرصه فضاها، هماهنگی فرم احجام محصورکننده، خط آسمان و فرم بام‌ها در بدنه فضاها، ترکیب، فرم و تراکم بازشوها در بدنه، هماهنگی در خطوط افقی و مدول‌های تکرار در بدنه، رنگ و بافت مصالح نما، تزیینات، ویژگی و تداوم آن‌ها در بدنه، ارتباط فضا با چشم‌اندازها و دورنماهای اطراف». بی‌توجهی به این موارد از نقاط ضعف سند یادشده، علی‌رغم توانمندی آن، است.

25. Recommendation Concerning the Safeguarding and Contemporary Role of Historic Areas, 1976

(همان، دفتر هشتم، ص ۵۱؛ همان، دفتر هفتم، ص ۱۲۸).

در بخش اقدامات قانونی و اداری، در بندهای ۲۴، ۲۸ و ۳۰ نیز اقدامات قانونی و اداری و برنامه‌های توسعه شهری مد نظر است و لزوم همساز و هماهنگ بودن نوسازی‌ها یادآور می‌شود. در بند ۲۴ دارد:

برنامه‌ها، توسعه شهری و سامان‌دهی و پاک‌سازی مناطق پرجمعیت شامل تخریب ساختمان‌های فاقد ارزش معماری و تاریخی و تخریب بناهای ناساز و معیوب و همچنین برداشتن بناهای ضمیمه و طبقات اضافی فاقد ارزش و گاهی حتی تخریب بناهای جدیدتری، که به هماهنگی و وحدت آن محدوده‌ها، آسیب می‌زنند، تنها در صورت انطباق با طرح حراست محدوده مجاز خواهد بود.

در بند مهم ۲۸ آمده است:

برای اطمینان از همساز و هماهنگ بودن ساختمان‌های جدید با نظم فضایی و ترکیب مجموعه ساختمان‌های تاریخی، باید در مورد مقررات مربوط به نظارت بر ساختمان‌های جدید، دقت فراوان کرد. احداث هر بنای جدیدی باید متعاقب تجزیه و تحلیل بافت شهری باشد و این کار نه فقط برای تبیین خصوصیات کلی مجموعه‌های ساختمانی است، بلکه ویژگی‌های غالبی مانند هماهنگی ارتفاع، رنگ مواد و شکل‌ها، ثابت‌ها و مشترکات در چگونگی ساخت نمای خارجی و سقف، ارتباط بین حجم ساختمان‌ها و حجم فاصله‌ها، و همچنین متوسط ابعاد و اندازه‌ها و جهت آن‌ها نیز تجزیه و تحلیل می‌شود. به ابعاد و اندازه قطعات زمین نیز باید توجه خاصی کرد، چرا که سازمان‌دهی مجدد قطعات زمین، این خطر را دارد که با تغییر حجم‌ها، هماهنگی کل یک مجموعه آسیب ببیند.

در بند ۳۰ نیز با اشاره به آسیب‌های منظری ناشی از برپایی تیرهای چراغ برق، دکل‌ها و کابل‌های برق و تلفن و محل‌های آنتن‌های تلویزیون و تابلوهای عظیم تبلیغاتی، آمده که در صورت لزوم باید اقدامات مناسبی برای جابه‌جایی موارد مذکور انجام گیرد. در این سند موضوع حفاظت و مقابله با تهدید مداخله و توسعه‌های جدید در محدوده‌های تاریخی به صورت ملموس‌تری بیان شده است. در فضای فکری این سند،

تنوع ناشی از حضور محدوده‌های تاریخی در متن جامعه یک ضرورت گفته شده و هماهنگی و معاصر سازی آن‌ها با جامعه معاصر از مبانی برنامه‌ریزی شهری و توسعه کشور قلمداد گردیده است. ارزش‌های مهم این سند اینکه تخریب میراث تاریخی را مترادف تعرض به حقوق اجتماعی معرفی می‌کند و به همین تناسب نیز نگران ساخت‌وسازها و توسعه‌های جدید در درون و اطراف محدوده‌های تاریخی است. در این توصیه‌نامه با پذیرش توسعه شهری، ساخت‌های جدید و انواع برنامه، و طرح‌های ساماندهی، به انطباق با طرح حراست محدوده و اعمال نظارت دقیق، ملزم شده‌اند. در بخش‌های دوم و سوم این سند تحت عناوین اصول کلی و اقدامات قانونی و اداری به برخی مبانی و تأکیدات مورد نظر منشور در حفاظت اشاره شده، که تبیین چارچوب‌های مداخله و بازسازی‌های جدید هستند. در این میان به نظر می‌رسد که علاوه بر موارد مذکور در قالب بندهای منشور، می‌توان به موارد دیگری نیز اشاره کرد، از جمله آنکه در بند ۳ از اصول کلی، در خصوص ویژگی‌ها و ماهیت محدوده تاریخی و محیط اطراف آن به ابقای محوطه حد فاصل بخش قدیم و توسعه‌های جدید و حفاظت از آن «تأکید نمی‌شود». این محدوده عمدتاً همان موقعیت حصار، خندق و محدوده‌های جغرافیایی و حفاظتی هسته قدیمی بوده‌اند. همچنین در بند ۴ جا داشت که، «با توجه به تأکید موضوع هماهنگی و زیبایی‌شناسی خاص این محدوده‌ها، تحلیل منظر و تبیین مبانی هماهنگی و زیبایی‌شناسی محدوده برای هرگونه مداخله‌ای یک ضرورت معرفی می‌شد». در بند ۵ نیز که موضوع چشم‌انداز «از و به» منظره محوطه‌های تاریخی در ترکیب بازمینه جغرافیایی-طبیعی آن‌ها در بستر توپوگرافی زمین مطرح می‌گردد، «توجه به کریدورهای دید از محدوده به عناصر محیطی اطراف (کوه، دره، جنگل، رود، و...) و بالعکس، که بخشی از موضوع این چشم‌اندازهاست، باید مد نظر می‌بود». همچنین بررسی تداوم مسیرهای ارتباطی بافت تاریخی محدوده در بخش توسعه جدید، همچنین باز گذاردن عرصه‌ها در افق چشم‌اندازهای بارز بافت تاریخی، در بخش توسعه و تحت عنوان کاربری‌های متناسب و ممکن، مواردی هستند که به هدف این بند



و همه عناصر مادی و معنوی مرتبط اشاره شده و در بند ۲ مواردی از قبیل الگوهای شهری قطعات زمین و خیابان‌ها، ارتباط‌های بین بناها و فضاهای سبز و باز، ظاهر هندسی بناها (مشخص شده با مقیاس و اندازه و سبک و ساخت و مصالح و رنگ و تزیینات)، ارتباط بین شهر یا منطقه شهری و وضعیت محیط اطراف (هم طبیعی و هم انسان‌ساخت)، و کارکردهای متنوع یک شهر یا منطقه شهری در طول زمان مد نظر قرار گرفته است. در بندهای ۸ و ۱۰ منشور واشنگتن به کارکردها و فعالیت‌های جدیدی اشاره می‌شود که باید همساز با ویژگی شهر یا منطقه تاریخی باشند. در بند ۸ قید شده که سازگار کردن این مناطق با زندگی معاصر، نیازمند کارگزاری و توسعه دقیق و محتاطانه تسهیلات خدمات عمومی است. در بند ۱۰ آمده: «هنگامی که ساخت بناهای جدید و یا سازگاری بناهای موجود ضروری باشد، آرایش فضایی موجود را باید رعایت کرد، خصوصاً از لحاظ مقیاس و اندازه قطعات زمین». چنان‌که گفته شده، هدف این منشور معطوف به برنامه‌ریزی و مدیریت شهرهای تاریخی، مناطق شهری و محیط زیست پیرامون آن‌ها برای توسعه پیوسته است و از این حیث، نکات توجه داده شده در موضوع حفاظت بافت‌های تاریخی بیشتر معطوف به همین مقیاس و فراتر از بنا هستند. در عین حال با توجه به شکل‌گیری آن در اواخر قرن پیش و بهره‌گیری از تجارب گذشته، بسیار کاربردی و ملموس به نظر می‌رسد. در هر صورت نکات یادشده غیر از هدف اصلی حفاظت، در زمینه هدایت طراحی ساخت‌وسازهای جدید، به‌شدت مؤثر است و در مقایسه با شرایط بافت‌های ما، این نکات نیز می‌تواند به موارد فوق اضافه گردد:

- در بند ۲ (ویژگی‌های تاریخی شهر و منطقه شهری که باید مراقبت شوند):

الف. الگوی نظام مراکز خدماتی (مراکز محلات، زیرمحلات، و...)، ساختار نظام کالبدی و استخوان‌بندی محدوده، نظام محله‌بندی محدوده، شبکه احتمالی مجاری آب

می‌انجامند. در بندهای ۲۴، ۲۸، و ۳۰ نیز نکاتی باید مد نظر قرار می‌گرفتند:

- در بند ۲۴ پایه‌پای تخریب بناهای فاقد ارزش تاریخی، بناهای ناساز و حتی نمونه‌های جدید ناهماهنگ، قاعدتاً بازسازی‌های جانشین این بناها، در هماهنگی با طرح حراست محدوده، نیز می‌بایست مطرح می‌شدند.

- در بند ۲۸ آنجا که به ویژگی‌های غالب بناهای بافت برای رعایت در بازسازی‌ها اشاره دارد، در مرحله ارتباط بین حجم ساختمان‌ها و فضا، به نظر می‌رسد که بتوان موضوع چگونگی ترکیب پر و خالی در پلان، تناسبات این ترکیب، تناسبات مقاطع گذرها و فضاهای عمومی، و ترکیب فرم بازشوها را نیز به موارد گفته شده اضافه کرد. همچنین در مبحث قطعات زمین؛ اشاره به تاب بافت، تناسبات ابعاد قطعات، نظام و فرم شبکه دسترسی‌ها و تأثیر آن‌ها در آرایش قطعات و نظام ترکیب محدوده واحدهای همسایگی با یکدیگر، و متقابلاً تأثیر محدوده‌های همسایگی در انتظام قطعات زمین، بهتر بود که بررسی می‌شدند.

- در بند ۳۰ در موضوع مبلمان و استقرار تجهیزات و تأسیسات در فضای شهری، جا داشت به موضوع ترکیب پوشش گیاهی مناسب در انطباق با عرف مرسوم در بافت تاریخی و استفاده از گونه‌های بومی اشاره می‌شد.

۴.۲.۵. منشور واشنگتن: حفاظت از شهر تاریخی^{۲۶}

این منشور از طرف ایکوموس در واشنگتن تنظیم شد و هدف آن بسط منشور ونیز بخصوص در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت شهرهای تاریخی و مناطق شهری به منظور تضمین توسعه پیوسته آن‌ها است. به طوری که هم مقتضیات ساختار تاریخی موجود و هم پیشرفت‌های جدید در آن در نظر گرفته شود. در قالب اصول و اهداف این منشور، که یکی از منشورهای مهم مرمتی است، به حفظ خصوصیت تاریخی شهر یا منطقه شهری

26. Washington Charter: Conservation of Historic Towns, 1987 (http://www.international.icomos.org/charters/towns_e.pdf;

همان، دفتر هشتم، ص ۵۴؛ همان، دفتر هفتم، ص ۱۷۰).

با شخصیت و اجزای متمایز غیرمادی آن محوطه، سنجیده شود. در انواع خاصی از محوطه‌های میراث مانند چشم‌اندازهای فرهنگی، و حفظ ویژگی و سوابق تاریخی مانند الگوها، صورت‌ها، و ارزش معنوی می‌تواند مهم‌تر از حفظ ویژگی‌های فیزیکی محوطه باشد و از این رو باید در اولویت قرار گیرد. در مورد اصالت در محوطه‌های پویا و ایستا نیز آمده که محوطه‌های فرهنگی پویا را به منزلهٔ محصول معماری در طول زمانی دراز می‌توان در نظر آورد که روند آفرینش در آن‌ها اغلب تا به امروز ادامه دارد. بعضی تغییرات فیزیکی وابسته به حفظ و نگهداری الگوهای سنتی بهره‌گیری مشترک از محوطه‌های میراث، لزوماً به معنای محو برجستگی آن نیست، بلکه امکان دارد در عمل به بهبود وضعیت این محوطه‌ها نیز بیانجامد. از این رو تغییرات در مواد و مصالح را می‌توان به عنوان بخشی از روند تکامل جاری پذیرفت. صرف نظر از نوع محوطه، درمان‌های معاصر باید نجات بخش ویژگی همه منابع فرهنگی باشد، بدون آنکه جوهر و توازن آن‌ها را دگرگون کند. عناصر جدید باید هماهنگ با ویژگی کلی اثر باشند.

با این تفاسیر موضوع اصالت در حفاظت و مدیریت موضوع اصلی این بیانیه و روشن‌کنندهٔ دیدگاه خاص متولیان این حوزهٔ جغرافیایی- فرهنگی، در تفاوت با مواد سند نارا، است. بدین ترتیب در این سند به صراحت به موضوع «ساخت‌وسازهای جدید» پرداخته نشده است. اما در بند ۵ در مورد تغییرات فیزیکی که امکان دارد عملاً به بهبود وضعیت محوطه‌ها بیانجامد، «رویکرد پذیرش تغییر و تحول کاملاً به‌نجار معرفی می‌شود». این سند با اشاره‌ای حاشیه‌ای به ساخت‌وسازهای جدید، چنان‌که گفته شد، آن را به صورت کلی مشروط می‌کند. ولی محتوای فضای فکری سند در خصوص مفهوم اصالت محوطه‌های فرهنگی، در ارتباط با ویژگی‌های این محوطه‌ها، به شدت شکل‌گیری عناصر جدید را مشروط و تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما محتوی تخصصی و مفهومی این فضای فکری قاعدتاً باید از سوی گروه یا گروه‌های حرفه‌ای، تجزیه و تحلیل و به جزئیات راهنمای طراحی برای کاربران تبدیل گردد.

کانال‌ها، قنات، و... و تأسیسات وابسته، الگوی شبکهٔ معابر و دسترسی‌های محدوده، الگوی خط آسمان و نیمرخ محدوده، الگوی دانه‌بندی قطعات مالکیت در محدوده، الگوی تاب بافت، الگوی استقرار بناها بر روی توپوگرافی محدوده، الگوی پراکنش فضاهای عمومی. ب. الگوی پر و خالی دانه‌های بافت در پلان شهری، الگوی فضاهای باز و سبز نسبت به بافت پر محدوده (در پلان)، الگوی سطح اشغال و نسبت فضای باز قطعات، ترکیب توده، و فضای سبز در نیمرخ نمونهٔ واحد قطعات. ج. ترکیب و فرم ساخت و فضا در نیمرخ دانه‌های بافت، فرم بام، هم‌جواری و ارتباط بناها با گذر دسترسی، الگوی حریم خصوصی- عمومی قطعات، ترکیب و فرم پر و خالی (بازشوها) در نما، ترکیب احجام و فضاهای بسته و نیمه‌بسته در نمای بناها.

– بند ۱۰ تنها بندی است که در آن از مقیاس معماری بنا و در حد محدود سخن به میان آمده است. جا داشت که در سند یادشده ضرورت تدوین ضوابط و مقررات لازم در این خصوص، به ویژه در مقیاس معماری از طریق نهادهای محلی درخواست می‌شد.

۴.۲.۶. بیانیهٔ سن آنتونیو^{۲۷}

در قالب این سند کمیته‌های ملی ایکوموس در قارهٔ آمریکا به موضوع معنای اصالت در حفاظت و مراقبت از آثار در قاره آمریکا و مدیریت میراث فرهنگی پرداخته‌اند. در قالب چکیدهٔ یافته‌ها و توصیه‌های این سند دارد:

اصالت میراث فرهنگی، مستقیماً با هویت فرهنگی ربط دارد و درک تاریخ و اهمیت یک محوطه در طول زمان، عناصر بسیار مهمی در شناسایی اصالت آن محوطه هستند. همچنین بافت مصالح یک محوطهٔ فرهنگی از اجزای اصلی اصالت آن است. در مورد چشم‌اندازهای فرهنگی، اهمیت بافت مواد و مصالح باید همسنگ

27. The Declaration of San Antonio, 1996

(همان، دفتر هشتم، ص ۴۳۴-۴۴۵).



۳.۴. اسناد گروه سوم

۳.۴.۱. قطعنامه سمپزیوم وارد کردن معماری معاصر

در مجموعه بناهای باستانی^{۲۸}

در این سند، در وضعیت فعلی توسعه تمدن، مسائل صنعتی اقتصادی و رشد روزافزون شهرها، ضرورت تأمین روش مند محیط زیست زندگی روزمره و مراقبت از یادمان‌های تاریخی و مجموعه بناها پاسخ داده می‌شود، در مقدمه سند آمده:

با در نظر گرفتن اینکه... معماری لزوماً نماد عصر خود است و با توجه به اینکه توسعه معماری مداوم است و اینکه بازتاب و نمود گذشته، حال، و آینده آن را باید یک کل واحد تلقی و از هماهنگی آن به طور دایم مراقبت کرد، هر یادمان تاریخی... صاحب ارزشی ذاتی، مستقل از نقش و اهمیت اولیه خود است که سازگاری آن را با بافت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی متغیر، امکان پذیر می‌کند.

در سند قید شده که وارد کردن معماری مدرن در مجموعه بناهای باستانی تا حدی امکان پذیر است که در برنامه طرح ریزی شهری آن مکان، بافت موجود آن چارچوب توسعه آینده اش شود. این گونه معماری معاصر با بهره گیری سنجیده از فنون و مصالح امروزی، در مکان‌های باستانی به طرز متناسبی جای خواهد گرفت، بدون آنکه بر کیفیت‌های ساختاری و زیبایی‌شناختی آن تأثیر گذارد، مشروط بر آنکه به بهره‌گیری متناسب از حجم، مقیاس، ریتم و جلوه ظاهری توجه کافی شود. اصالت این مجموعه‌ها باید معیاری بنیانی تلقی شود و از هر نوع تقلید که بر ارزش هنری و تاریخی آنها اثر گذارد اجتناب شود. احیای یادمان‌ها و بناها از طریق یافتن کاربردهای جدید، موجه و توصیه‌کردنی است، مشروط بر آنکه این گونه کاربردها، نه از جهت درونی و نه از جهت بیرونی بر ساختار و ویژگی آنها، به منزله موجودیتی کامل تأثیر نگذارد. در قطعنامه اخیر، چنان که در نام و هدف آن آمده، معماری برآمده از مقتضیات

جامعه و در تداوم توسعه گذشته معماری معاصر و معماری مدرن تلقی می‌شود. در این سند بدون واژه، معماری معاصر را واجد این ظرفیت دانسته‌اند، به طوری که با بهره‌گیری سنجیده از فنون و مصالح امروزی، به طرز متناسبی در مکان‌های باستانی جای گیرد، بدون آنکه ویژگی‌های ساختاری و زیبایی‌شناختی محدوده را تحت تأثیر قرار دهد. البته در ادامه این هم‌نشینی مشروط، به نکاتی کلی از ویژگی‌های بافت تاریخی در مقیاس محدود توجه می‌شود که می‌توان مواردی به شرح زیر را بدان افزود: «دانه‌بندی احجام در پلان و نمای شهری، ترکیب و فرم احجام در پلان و نیمرخ شهری، ترکیب توده و فضای باز و سبز، تناسبات پر و خالی در پلان، نیمرخ شهری و در الگوی ساخت واحدها، تناسبات مقاطع عرضی معابر، فضاهای عمومی و خصوصی، مدول و نظام دانه‌بندی در پلان شهر، نظام دانه‌بندی و تکرار مدول در نمای شهری، مدول تکرار بازشوها در نما، مدول تکرار فرم در نمای شهری». همچنین در جلوه ظاهری می‌توان این عامل‌ها را در نظر گرفت: «فرم بام و خط آسمان محدوده؛ رنگ، بافت مواد و مصالح در نما، موقعیت و روند تکرار نقاط کانونی در خط آسمان و نیمرخ شهری، ارتفاع توده بافت در تناسب با ارتفاع نقاط کانونی، همچنین ترکیب و تناسبات پر و خالی و ترکیب سایه‌روشن در نماهای شهری». در خاتمه یادآور می‌شود که آنچه در متن قطعنامه آمده، در نهایت در مقیاس محدود معماری است و نگاهی به ترکیب ساختارها در مقیاس بافت (شهری) در آن مشاهده نمی‌شود.

۳.۴.۲. عهدنامه حفاظت از میراث معماری اروپا^{۲۹}

در این عهدنامه روش‌هایی برای شناسایی آثار، مجموعه ساختمان‌ها و نقاطی که باید در کشورهای اروپایی حفاظت شوند، بیان شده و تحریم‌ها و اقدامات حفاظتی قانونی را مشخص می‌کند. طرح‌های مربوط به انهدام ساختمان‌ها، احداث ساختمان‌های جدید و تغییرات اساسی که به خصوصیات

28. Resolutions of the Symposium on the Introduction of Contemporary Architecture into Ancient Groups of Buildings, 1972

(همان، دفتر هفتم، ص ۲۱۶-۲۱۷).

29. Convention for the Protection of the Architectural Heritage of Europe, 1985

(همان، دفتر هشتم، ص ۵۳؛ همان، دفتر هفتم، ص ۴۷-۵۱).

متناسب با ماهیت خاص دولت‌های آمریکا بازآفرینی شد. در بند ۲ این سند دارد:

ویژگی‌های برجسته یک شهر یا ناحیه تاریخی شامل همه عناصر فیزیکی و ناپدیدار یا معنوی است که خصوصیت آن‌ها را شکل می‌دهد. این عناصر پنج علامت مشخصه دارند: الگوهای توسعه تاریخی آن مکان که در طول زمان شکل گرفته‌اند، ارتباط بین بناهای آن شهر یا ناحیه و چشم‌اندازهای طبیعی و منظره خیابان‌های اطراف، مشخصه‌های فیزیکی داخلی و خارجی خود بناها، ارتباط منحصر به فرد بین شهر یا ناحیه تاریخی و محدوده بزرگ‌تر اطراف آن، و نهایتاً عملکردهای گوناگونی که ناحیه تاریخی به مرور زمان کسب کرده است.

در قالب اصول بنیادین، در بند ۹ این منشور به مواردی از قبیل: «همساز بودن با خصوصیات کلی مکان برای عملکردهای جدیدی که قرار است در شهر یا ناحیه تاریخی اجرا شوند» و در بند ۱۱ «لزوم توجه به طرح‌های معاصر که با محیط اطراف هماهنگ بوده و روح تازه‌ای را در آن می‌دمند و موجب تداوم فرهنگی در جامعه می‌شوند» اشاره شده است. این سند چنان‌که گفته شد همان منشور واشنگتن است که متناسب با ماهیت دولت‌های محلی ایالات متحده آمریکا بازآفرینی شده است. از این جهت به لحاظ محتوای اصلی، تغییر چندانی در آن دیده نمی‌شود مگر آنکه تا حدی کاربردی‌تر گردیده است. در این باره در توضیح بندهای این منشور نیز می‌توان برخی از نکات گفته‌شده در منشور واشنگتن را یادآور شد. با این تفاوت که در مورد «ساخت‌وسازهای جدید» در بند ۱۱ منشور اخیر علاوه بر مشروط کردن این بناها، پذیرش طرح‌های معاصر هماهنگ با محیط تشویق و از منع آنها پرهیز داده می‌شود. بر مبنای این سند بناهای جدید در صورت طراحی مناسب، محدوده تاریخی را پرمایه کرده و روح تازه‌ای در آن می‌دمند و به این ترتیب موجب تداوم فرهنگی در جامعه می‌شوند.

ساختمان و یا محوطه واجد ارزش تاریخی آسیب می‌رساند باید به مقامات صالحه ارجاع داده شود. به این ترتیب در قالب نظام قانون‌گذاری امکان کنترل و هدایت فعالیت‌های عمرانی در محوطه‌های تاریخی نظام‌مند می‌گردد و در ماده ۹ (ضمانت اجرایی) آمده که، متعهدین باید برخورد متناسب با متخلفین از قانون حفاظت را تضمین کنند. این عهدنامه موضوع «ساخت‌وسازهای جدید» را ضرورت زندگی عصر حاضر پذیرفته و در ماده ۱۷ آن هماهنگی سیاست‌های متعهدین و لزوم تبادل اطلاعات را در خصوص حفظ و نگهداری بناها توصیه و از جمله افزایش خلاقیت در معماری را سهم عصر حاضر در میراث اروپایی گوشزد می‌کند. با وجود این دستورالعمل‌های این سند در خصوص تعیین چارچوب‌های مشروط‌کننده بناهای جدید، مبتنی بر راهکارهای قانونی و اداری است و اعتنایی بر روش‌های فنی و تکنیکی در زمینه طراحی ندارد. همچنین به راهکاری برای تدوین دستورالعمل‌های لازم اجرایی و اصولاً ضرورت ایجاد گروه‌های متشکل از متخصصین برای انجام بررسی‌ها و تدوین راهنمای طراحی اشاره نگردیده است. تأکید عمده این عهدنامه بر حفاظت، آموزش عمومی، نظام برنامه‌ریزی و نظامات اداری است. گستره مورد اشاره عهدنامه در زمینه کالبدی، چشم‌انداز بنا، مجموعه‌های ساختمانی و محیط اطراف آن‌ها در مقیاس فضای عمومی در بافت شهری و یا روستایی است. جا داشت در این سند به موضوع هماهنگی ساختارهای جدید در بافت به لحاظ چشم‌انداز بام شهری، نیمرخ شهری، دانه‌بندی بافت، مقیاس، نظام ارتفاعی، ترکیب حجمی (توده فضا) در قطعه و در پلان شهری و چشم‌انداز شهر در بستر طبیعی اشاره می‌گردید.

۳.۳.۴. منشور مراقبت از شهرها و مناطق تاریخی

ایالات متحده^{۳۰}

منشور سال ۱۹۸۷ واشنگتن در سال ۱۹۹۲ از سوی کمیته ایکوموس ایالات متحده به گونه‌ای در قالب منشور جدید و

30. A Preservation Charter for the Historic Towns and Areas of the U.S, 1992 (همان، دفتر هفتم، ص ۱۸۱-۱۸۴).



۵. نتیجه‌گیری

– میراث فرهنگی شکل توسعه تاریخی را روایت می‌کند و نقش مهمی در زندگی مدرن جامعه دارد.

– میراث بخشی از چشم‌انداز فرهنگی جامعه است و خود منبعی غنی برای مراجعۀ فرهنگی نسل‌های آینده و موجبات توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی است.

۳. برخی از راهکارها و توصیه‌های کلی بعضاً مشترک در بین اسناد به این شرح مطرح گردیده‌اند:

– حفاظت و احیای محدوده‌های تاریخی در قالب برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و شهری.

– تلقی میراث جوامع به منزله عاملی تعیین‌کننده در روند توسعه ملی.

– تأکید بر اعمال سرپرستی و نظارت عمومی از سوی مدیریت‌ها.

– حفظ تداوم و انسجام بیان و بازتاب درونی در ساختارها، همراه با حفظ ساختارهای کم‌اهمیت‌تر و محیط پیرامونی آثار.

– حفاظت از چشم‌انداز و منظرۀ بناها و حفظ محدوده‌ها با عنایت به تجلی همه دوره‌ها.

– حفظ یکپارچگی فیزیکی بوم‌شناختی و بافت محیطی مکان‌های میراث.

– سازگارسازی ساختارها، مشروط به حفظ یکپارچگی و انسجام ساختار و ویژگی و فرم.

– بهره‌گیری از مصالح، سبک‌ها، و سنت‌های بومی در اولویت و حداقل مداخلۀ فیزیکی در محدوده‌های حفاظتی.

– حفظ جنبه‌های معنی و اهمیت فرهنگی مکان و تعیین خط مشی‌ها بر اساس فهم آنان.

– به‌کارگیری معماری مدرن مشروط به هماهنگی و تناسب، پرهیز از تقلید فرم‌های سنتی، و هماهنگی با بناها و فضاهای عمومی ارزشمند اطراف.

۱. در همه اسناد بررسی‌شده، قبل از پرداختن به راهکارها، به ضرورت حفظ بافت‌های تاریخی از دیدگاه‌های مختلف اشاره می‌شود و نگرانی‌های مشترک جوامع مطرح می‌گردند. این بخش عمدتاً فضای فکری را ترسیم می‌کند که هر مورد خاص از حفاظت، مرمت تا بازسازی‌های جدید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مهم به‌ویژه می‌تواند دست‌مایه متخصصین هر زمینه و از جمله طراحان شهری و معماری باشد و به تدوین راهنماهای طراحی در هر محدوده تاریخی خاص منجر گردد.

۲. برخی از باورهای مشترک در بین این اسناد و مرتبط با موضوع این پژوهش به شرح زیر است:

– حفاظت از میراث فرهنگی در کمال درستی و انتقال به نسل آینده.

– موارث فرهنگی و تاریخی سرشار از پیام و شاهد سنن و تمدن گذشته و بازتاب بنیادی فرهنگی جوامع هستند.

– دارایی‌های فرهنگی محصول سنت‌ها و عنصر اساسی شکل‌گیری هویت جوامع هستند.

– میراث یکی از جنبه‌های برنامه توسعه منطقه‌ای و برنامه‌ریزی کلی کشورها است که باید نقش فعالی در حیات جامعه برای آن قائل شد.

– میراث جوامع منبع غنا و توسعه هماهنگ برای تمدن حاضر و آینده است.

– میراث فرهنگی و طبیعی تمامیتی هماهنگ‌رانشکیل می‌دهند. غفلت نکردن از اقلام کوچک‌تر و با اهمیت کمتر که در طی زمان ارزش فرهنگی کسب کرده‌اند.

– دفاع از تنوع و گوناگونی فرهنگ‌ها و میراث به منزله جنبه‌ای اساسی از رشد بشری.

– نقد همگون‌سازی فرهنگی در جهان و حفظ ویژگی و تداوم تاریخی.

هسته‌های تاریخی، غیر از اسناد گروه سوم، اسناد زیر نیز قابلیت‌های اجرایی بیشتری نسبت به سایرین دارند:

- توصیه‌نامه حراست از نقش امروزی محدوده‌های تاریخی؛
- قطعنامه سمپزیوم بین‌المللی حفاظت از شهرهای کوچک تاریخی مصوب چهارمین مجمع عمومی ایکوموس؛
- منشور میراث معماری اروپا.

۶ بیان نکردن جزئیات در خصوص شکل‌گیری بازسازی‌های جدید در بافت در بسیاری از این اسناد، از نکات قابل تأمل است. در برخی از این اسناد حتی به جزئیات ضروری نیز اشاره‌ای نشده و شرایط تحقق به تأیید ساختارهای مدیریتی محلی منوط شده است. ذکر این نکته ضروری است که شاید ظرفیت چنین اسنادی با توجه به حوزه شمول آنان، چنین اقتضا می‌کند که صرفاً به انتظام ساختارهای فکری مربوطه (نکات بالقوه) به مثابه چراغ راه بسنده گردد. آنچه که باید بالفعل گردد، با توجه به شرایط جغرافیایی، اقلیمی، و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی مکان‌ها و با حضور خبرگان مرمت و معماری و شهرسازی هر منطقه، می‌تواند به تدوین جزئیات دستورالعمل‌های اجرایی برای طرح‌های بازسازی بیانجامد.

۴. در بین اسناد بررسی‌شده، آن دسته که روی بناهای میان‌افزا (ساختارهای جدید) بیشترین پذیرش را دارند و راهکارهای اجرایی بیشتری نیز بیان کرده‌اند، گروه سوم هستند. در این گروه بر حفاظت از شهرهای تاریخی در قالب برنامه‌ریزی منطقه‌ای تا شهری تأکید می‌شود و حفظ و رعایت ویژگی‌ها و اصالت فضای مورد مداخله را در ایجاد ساختارهای جدید گوشزد می‌کنند. تداوم فرهنگی و زمینه‌سازی توسعه معماری تأکید دیگر این اسناد است. ساختارهای جدید در این اسناد یا از منظر توسعه مداوم معماری و بازتاب معاصر آن یا سهم عصر حاضر در میراث و یا دمیدن روح تازه و پرمایه کردن محدوده‌ها مد نظر قرار گرفته‌اند.

۵. وسعت بافت‌های تاریخی و حجم بخش‌های فرسوده آن‌ها با وجود فقدان منزلت در طی دهه‌های اخیر، جابه‌جایی جمعیت، روی‌گردانی اقصا متوسط از این بافت‌ها و همچنین ضرورت ایجاد روحیه تازه در صنعت گردشگری در جامعه ما، استفاده از اسناد گروه سوم در این پهنه‌ها را کارساز نشان می‌دهد. از سوی دیگر، به لحاظ کاربردی اجرایی در جامعه ما و در شهرها و

منابع و مأخذ

بافت‌های فرسوده، تهران: ایده‌پردازان فنی و هنر، ۱۳۸۵.

فلامکی، منصور. باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

گروه پژوهش سازمان میراث فرهنگی کشور. مجموعه پژوهش‌های بنیادی دفتر فنی: دفتر هفتم و هشتم، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۹.

مرادی، اصغرمحمد. خلاصه مقالات سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۶۸.

یوکیلتو، یوکا. «استانداردها، اصول، و منشورهای بین‌المللی حفاظت»، در مجله اثر، ش ۲۹ و ۳۰ (تابستان و پاییز ۱۳۷۷)، ص ۱۲۱-۱۳۵.

توسلی، محمود. اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۵.

_____. طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۸.

حبیبی، محسن و ملیحه مقصودی. مرمت شهری، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

شقایق، سپیده و مهندسین مشاور شاران. راهنمای شناسایی و مداخله در